بسمه تعالی

[شکل صحیح تکبیرة الاحرام و حکم اتصال به ما قبل و ما بعد 1](#_Toc64837929)

[وصل تکبیر به ما قبل 1](#_Toc64837930)

[حکم فرض اول (وصل به حرکت با حذف همزه) 2](#_Toc64837931)

[حکم فرض دوم (وصل به حرکت با تلفّظ همزه) 2](#_Toc64837932)

[حکم فرض سوم (وصل به سکون) 6](#_Toc64837933)

[خلاصه حکم سه فرض مذکور 6](#_Toc64837934)

[وصل تکبیر به ما بعد 7](#_Toc64837935)

**موضوع**: تکبیرة الاحرام /واجبات نماز /کتاب الصلاة

**خلاصه مباحث گذشته:**

در جلسه قبل نظر آقای سیستانی و نظر مرحوم خویی راجع به شکل صحیح تکبیرة الاحرام و حکم اتصال به ما قبل و مابعد مورد بررسی قرار گرفت و بحث تمسک به دوران أمر بین تعیین و تخییر مورد بحث تفصیلی واقع شد.

# شکل صحیح تکبیرة الاحرام و حکم اتصال به ما قبل و ما بعد

بحث راجع به تکبیرة الاحرام بود؛ اصل این که باید «الله اکبر» گفت و «الله الأعظم، الله الاکبر، الله الکبیر» کافی نیست ظاهراً بین شیعه متسالم علیه است و بعید نیست اوامر مربوط به تکبیر منصرف به همان «الله اکبر» باشد؛ أما این که «الله تعالی اکبر» یا «الله اکبر من ان یوصف» گفته شود مربوط به بحث آینده است و فعلاً بحث در این است که خصوص «الله اکبر» باید گفته شود.

## وصل تکبیر به ما قبل

**راجع به وصل «الله اکبر» به ما قبل سه فرض مطرح بود؛**

فرض اول، وصل به حرکت با حذف همزه وصل بود: «لا اله الا اللهُ لله اکبر»؛ صاحب عروه فرمودند أقوی این است که این فرض جایز است.

فرض دوم، وصل به حرکت با ذکر همزه: «لا اله الا اللهُ اَلله اکبر»؛ صاحب عروه راجع به این فرض فتوای به عدم جواز دادند.

فرض سوم، وصل با سکون و ذکر همزه: «لا اله الا الله اَلله اکبر» و عوام مردم گاهی نیّت نماز را به همین نحو به «الله اکبر» وصل می کنند: «دو رکعت نماز واجب صبح می خوانم قربة الی الله اَلله اکبر»؛ صاحب عروه این فرض را نیز اجازه ندادند.

### حکم فرض اول (وصل به حرکت با حذف همزه)

**مرحوم خویی فرمودند**: علی القاعده با فرض اول مشکلی نداریم (و به تعبیر دیگر خاصیت همزه وصل این است که اگر به ما قبل وصل شود حذف می شود)؛ لکن صحیحه حماد این فرض را اجازه نداد و باید «الله اکبر» را از ما قبل قطع کنیم و متصل به ما قبل نشود تا بتوانیم همزه وصل را ذکر کنیم و اگر متصل به ما قبل کنیم همزه «الله اکبر» حذف می شود و نقص در آن ایجاد می شود. و گفتن «لا اله الا اللهُ اَلله اکبر» غلط است و گفتن «لا اله الا الله اَلله اکبر» یا غلط است و یا خلاف صحیحه حماد است. وصل «الله اکبر» به ما قبل با وصل «الله اکبر» به ما بعد فرق می کند زیرا اگر به ما بعد وصل شود «الله اکبرُ بِسم الله الرحمن الرحیم»، چیزی از «الله اکبر» حذف نمی شود و صحیحه حماد از این منع نکرد و اگر أدله اطلاقی راجع به این فرض نداشته باشند به أصل برائت رجوع کرده و می گوییم وصل به ما بعد اشکالی ندارد.

صاحب عروه فرمودند که وصل «الله اکبر» به ما قبل اشکالی ندارد ولی فتوا دادند که در صورت وصل، همزه وصل حذف شود «تحذف الهمزة حینئذ»؛ لکن خیلی از بزرگان در حاشیه عروه اشکال کرده اند؛ مرحوم آسید ابوالحسن اصفهانی، مرحوم بروجردی، مرحوم امام، مرحوم گلپایگانی، مرحوم آسید عبدالهادی شیرازی، مرحوم آل یس، مرحوم حاج شیخ عبدالکریم حائری؛ گفته اند احتیاط واجب این است که به ما قبل وصل نشود.

آقای سیستانی فرموده اند: وصل تکبیر به ما قبل و حذف همزه غلط نیست ولی ممکن است در اطلاق أدله نسبت به کفایت داشتن این فرض اشکال شود که شاید انفصال تکبیر از ما قبل لازم باشد و اگر نوبت به أصل عملی برسد به این خاطر که دوران أمر بین تعیین و تخییر است احتیاط لازم خواهد بود.

لکن ایشان در فتوا قائل به جواز وصل تکبیر به ما قبل شده اند و باید همزه وصل حذف شود. لابد ایشان به این نتیجه رسیده اند که اطلاق وجود دارد؛ أما اطلاق لفظی که انصافاً بعید است وجود داشته باشد. و شاید به اطلاق مقامی تمسک شود –که آقای زنجانی بیشتر به اطلاق مقامی رجوع می کنند- که در هیچ حدیثی منع نشد و گفته نشد «و لاتوصل التکبیر بما قبلها»، در حالی که اگر این کار جایز نمی بود در یک حدیثی از آن نهی می شد و اگر نهی وارد می شد این نهی ولو به سند ضعیف به ما واصل می شد. به نظر ما تمسک به اطلاق مقامی وجه خوبی است؛ خیلی افراد عجله دارند یا نماز قضا می خوانند و می خواهند سریع تمام شود، یا نماز واجب در ضیق وقت می خوانند و لذا تکبیر را به ما قبل وصل می کنند.

اگر نوبت به اصل عملی برسد به نظر ما برائت از مانعیت وصل به ما قبل جاری می شود.

### حکم فرض دوم (وصل به حرکت با تلفّظ همزه)

آقای سیستانی فرموده اند: أما فرض دوم «لا اله الا اللهُ اَلله اکبر» که بر خلاف قواعد همزه وصل را در کلام ذکر می کنیم أصلاً غلط می باشد و از صحیحه عبدالله بن سنان استفاده می شود که تحسین قرائت و به قیاس فحوی تحسین تکبیرة الاحرام لازم است: «الْحُسَيْنُ بْنُ سَعِيدٍ عَنِ النَّضْرِ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ سِنَانٍ قَالَ قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ ع إِنَّ اللَّهَ فَرَضَ مِنَ الصَّلَاةِ الرُّكُوعَ وَ السُّجُودَ أَ لَا تَرَى لَوْ أَنَّ رَجُلًا دَخَلَ فِي الْإِسْلَامِ لَا يُحْسِنُ أَنْ يَقْرَأَ الْقُرْآنَ أَجْزَأَهُ أَنْ يُكَبِّرَ وَ يُسَبِّحَ وَ يُصَلِّيَ»[[1]](#footnote-1) این روایت بیان می کند کسی که جدید الاسلام است و نمی تواند قرآن را صحیح بخواند، می تواند به جای قرآن بعد از الله اکبر نماز تسبیح بگوید؛ مفاد روایت این است که اگر می تواند باید قرآن را صحیح بخواند و قرآن یعنی حمد و سوره که رکن نیست باید صحیح خوانده شود پس تکبیرة الاحرام که رکن است و نسیان آن مبطل نماز است به طریق اولی و حداقل به قیاس مساوات باید صحیح خوانده شود و گفتن «لا اله الا اللهُ اَلله اکبر» غلط است.

**جالب این است که**: اصل تکبیرة الاحرام فریضه است ولی تحسین تکبیرة الاحرام سنت است و لذا اگر کسی از روی جهل قصوری تکبیرة الاحرام را صحیح أداء نکند حدیث لاتعاد شامل او می شود و این شخص اتیان به فریضه کرده است و تنها فریضه را تحسین نکرده است و تحسین به معنای زیبا أدا کردن نیست بلکه به معنای صحیح أدا کردن است. أما عالم عامد باید تحسین کند و اگر شک کنیم دوران أمر بین تعیین و تخییر خواهد بود که ایشان أصالة الاحتیاطی هستند.

شبهه ما این است که: گفتن «لا اله الا اللهُ اَلله اکبر» عرفاً غلط است یا طبق قواعدی که علمای أدب تنظیم کرده اند غلط است؟ ما کاری به علمای أدب نداریم و باید ببینیم که عرف عام گفتن این جمله را غلط می دانند یا نه. معلوم نیست عرف عام گفتن «لا اله الا اللهُ اَلله اکبر» را غلط بداند هر چند علم أدب غلط می داند. در برخی از استعمالات عرفی نیز متعارف نیست مثلاً «باِسمه تعالی» متعارف نیست و نامأنوس است، أما برخی موارد معلوم نیست از نظر عرف غلط باشد؛ مثلاً گفتن «اَلاِستعانة» از نظر أدبی غلط است و همزه استعانه همزه وصل بوده و باید حذف شود و همچون «باسم الله» که همزه خوانده نشود به صورت «اَلِستعانه» گفته شود ولی عرف عربی به همان صورت «اَلاِستعانة» تلفّظ می کند.

مرحوم آشیخ محمد حسین کاشف الغطاء عرب خالص بود و هیچ خلطی با عجم نداشت و نسلش عرب بود ولی در حاشیه عروه بیان کرده اند: «الأقوى عدم الجواز مع حذف الألف من لفظ الجلالة، نعم مع إثباتها لا يبعد الجواز و إن كان خلاف الاحتياط»[[2]](#footnote-2) یعنی وصل با حذف همزه از تکبیر جایز نیست ولی وصل با عدم حذف همزه جایز است.

روشن نیست که اگر دو جمله به هم وصل شوند و همزه وصل در جمله دوم حذف نشود عرف عام غلط بداند. «بسم الله» یک جمله است ولی اگر بگوید «نماز صبح می خوانم قربة الی الله اَلله اکبر» در عرف عام غلط نیست و اگر احتمال غلط بودن باشد نوبت به اصل عملی می رسد و برائت از وجوب تعیینی منفصل گفتن تکبیر از ما قبل جاری می کنیم.

پس دقّت شود که «بسم الله الرحمن الرحیم» به این خاطر که یک جمله است همزه وصل خوانده نمی شود و اصلاً در کتابت نیز حذف شده است، ولی اگر دو جمله مستقله به هم چسبانده شود در عرف عام غلط نیست.

در خود نماز نیز بحث است که وصل به سکون یا وقف به حرکت جایز است یا نه؟ علامه مجلسی در بحار جلد 85 صفحه 8 فرموده اند اتفاق علمای أدب بر عدم جواز وصل به سکون و وقف به حرکت است.

لکن خیلی بزرگان به این مطلب علامه مجلسی اشکال دارند که عرف این گونه نیست و خود خطبا و شعرا وصل به سکون و وقف به حرکت می کنند و واقعاً هم همین جور است و بین خطبا، شعرا، علما و أهل لسان این کار خصوصاً وصل به سکون رایج است؛ مثلاً علما که کاروان به مکه می برند با وقف به حرکت تلقین می کنند: «لبیکَ» بعد «اللهمَ» بعد «لبیکَ» بعد «لبیکَ» بعد «لاشریک لکَ» که همه وقف به حرکت است. کسانی هم که نماز سریع می خوانند در موارد زیادی وصل به سکون دارند.

مرحوم شیخ انصاری مطلب عجیبی فرموده اند وصل به سکون حرام و وقف به حرکت جایز است از این جهت که حرکت در آخر کلمه از قبیل جزء کلمه و صورت جزء است و وصل به سکون معنا ندارد ولی وقف به حرکت اشکال ندارد. از این مطلب می گذریم.

به نظر ما وفاقاً لجمع کثیر من الأعلام، وصل به سکون و وقف به حرکت جایز است؛ مرحوم امام در بحث قرائت بر کلام صاحب عروه «الاحوط عدم الوصل بالسکون و الوقف بالحرکة» حاشیه زده اند «الاقوی عدم لزوم مراعاتهما». آقای سیستانی، مرحوم خویی در بحث استدلالی جایز دانسته اند. البته همین بزرگان در «الله اکبر» مانند صاحب عروه فتوا می دهند که اگر به ما بعد وصل شود باید حرکت راء الله اکبر اظهار شود: «الله اکبرُ بسم الله الرحمن الرحیم». صاحب عروه در بحث قرائت احتیاط واجب کرد ولی آقایان مثل مرحوم امام حاشیه زدند که وقف به حرکت و وصل به سکون اشکالی ندارد (البته تنها در نماز مربوط به خود شخص می تواند چنین کاری کند ولی نماز استیجاری منصرف به متعارف است که وصل به سکون و وقف به حرکت ندارد)، أما در اینجا که ظاهر صاحب عروه این است که فتوا به عدم جواز می دهد، حاشیه نزده اند. کاری نداریم که چرا فرق گذاشته اند أما سخن در این است که وصل به سکون و وقف به حرکت بین مردم متعارف است و در قرائت گاهی جمله ای به جمله بعد که همزه وصل دارد متصل می شود و وصل به سکون می شود: «ایاک نستعین اِهدنا الصراط المستقیم» و کسانی که جواز وصل به سکون را مطرح می کنند باید توضیح دهند که این مورد هم جایز است و این مورد یکی از موارد وصل به سکون است؛ البته آقای سیستانی به این خاطر که غلط می داند در فرض وصل دو جمله همزه وصل ابراز شود حاشیه زده اند و خلاف تحسین قرائت می دانند ولی نوعاً حاشیه نزده اند و متعارف هم همین است؛ البته متعارف در نماز نیست تا گفته شود در نماز استیجاری هم می توان این گونه انجام داد بلکه در کلام أدبا و خطبا و علما متعارف است و اگر نماز به بقیه سخنان عرف عرب ملحق می شود وصل به سکون را انجام می دهند.

پس همان طور که بزرگانی مثل مرحوم خویی و مرحوم تبریزی فرموده اند متعارف بین أهل لغت وصل به سکون است و وصل به سکون در جایی هم که ابتدای جمله بعد همزه وصل باشد به نظر می رسد متعارف باشد: ایاک نستعین اِهدنا الصراط المستقیم»، «قل هو الله أحد اَلله الصمد».

پس به نظر ما فرض دوم یعنی گفتن «لا اله الا اللهُ اَلله اکبر»، «نماز صبح به جا می آورم قربة الی الله اَلله اکبر» غلط نیست و لذا بعید نمی دانیم صحیح باشد و هر چند اطلاق نداریم ولی اصل برائت جاری می شود. «الله اکبرْ بسم الله الرحمن الرحیم» هم اشکالی ندارد.

مطلبی در اینجا وجود دارد که اگر یکی واجب و دیگری غیر واجب بود آیا هر دو باطل می شود؟ راجع به وصل تکبیر به ما قبل مثل «لا اله الا الله» می گویند که به این خاطر که همزه تکبیر حذف نمی شود تکبیر باطل است ولی این که «لا اله الا الله» به تکبیر چسبانده شده مشکلی ندارد. راجع به وصل تکبیر به ما بعد ظاهرش این است که تکبیر باطل می شود مثلاً شیخ انصاری می فرمود حرکت راء تکبیر باید گفته شود و لذا اگر «الله اکبر أعوذ بالله من الشیطان الرجیم» گفته شود تکبیر صحیح نیست. و اصلاً اگر برای استعاذه مشکل هم پیش بیاید اشکالی به نماز وارد نمی کند زیرا استعاذه در نماز واجب نیست.

**ممکن است گفته شود**: از متعارف در حال کنونی به چه شکل متعارف در زمان معصومین کشف می شود؛ مثلاً أکثر قرّاء به صورت «ملک» قرائت کرده اند ولی الآن اکثراً به صورت «مالک یوم الدین» قرائت می کنند به این خاطر که به قرائت حفص اعتماد کرده اند و واقعاً هم معلوم نیست که پیغمبر صلی الله علیه و آله و همچنین أمیر المؤمنین علیه السلام آیه را به صورت «ملک» یا به صورت «مالک» در نماز قرائت کرده اند با این که نماز های زیادی برای مردم خواندند و برخی نماز ها مثل صبح، مغرب و عشاء و جمعه به صورت جهری بوده است؛ معلوم نیست معصومین چه می خواندند و این همه اختلاف واقع شده است و لذا ما این مطلب را که مشهور شدن الآن کاشف از مشهور شدن در زمان شارع نیست را انکار نمی کنیم؛ لکن این احتمال که شاید در آن موقع وقف به حرکت متعیّن بوده است شبهه در مقابل بدیهه است؛ و خطبا و علما در الآن (که ما ادّعای متعارف بودن بین آن ها کردیم) هم وقف به حرکت را متعیّن نمی دانند بلکه وصل به سکون می کنند و وقف به حرکت کمتر است مثلاً صراط الذین أنعمتَ را می گوید و چون سرفه اش می گیرد به همین شکل رها کرده و بعد از سرفه «علیهم غیر المغضوب» را می خواند که وقف به حرکت است و مراعات نمی کنند ولی بیشترین چیزی که مراعات نمی شود همان وصل به سکون است.

فرض دوم وصل به حرکت با ذکر همزه «لا اله الا اللهُ الله اکبر» بود که آقای سیستانی غلط می دانند و نوعاً هم گفته اند غلط است ولی ما می گوییم نزد أدبا و قرّاء غلط است و چیزهایی پیش قرّاء غلط است أما نزد عرف عام غلط نیست و این که این فرض در نزد عرف عام غلط باشد برای ما معلوم نیست.

### حکم فرض سوم (وصل به سکون)

فرض سوم وصل به سکون با ذکر همزه است: «لا اله الا اللهْ الله اکبر».

آقای سیستانی این فرض یعنی وصل به سکون را صحیح دانسته اند: «لایبنغی الاشکال فی الصحة» چون همزه تکبیر ذکر شده است و ما قبل آن هم ساکن است و اینجا که وصل به سکون کردیم دیگر همزه حذف نمی شود زیرا اگر حذف شود التقای ساکنین لازم می آید و لذا آقای سیستانی این فرض را صحیح دانسته اند و تحسین و صحیح أدا کردن محقق می شود.

### خلاصه حکم سه فرض مذکور

**خلاصه این که:** فرض اول «لا اله الا اللهُ الله اکبر» است که قطعاً از نظر عربی صحیح است ولی مرحوم نائینی فتوا دادند که این کار انجام نشود و خیلی علما نیز احتیاط کردند که برخی مثل مرحوم خویی به جهت صحیحه حماد احتیاط کردند که امام علیه السلام این کار را نکرد و اگر تکبیر به ما قبل وصل شود همزه حذف می شود و لذا نباید به ما قبل متصل شود تا همزه حذف شود. برخی مثل مرحوم آل یاسین از این جهت احتیاط کردند که جمله مذکور در أذهان متشرعه معهود نیست؛ لکن انصافاً معهود نبودن دلیل بر منع نمی شود و معهود نبودن به خاطر نامأنوس بودن است.

فرض دوم این بود که «لا اله الا اللهُ اَلله اکبر» گفته شود که نوعاً غلط دانسته اند زیرا همزه وصل هنگام اتصال به ما قبل باید حذف شود و آقای سیستانی هم قبول کرد.

فرض سوم این بود که «لا اله الا اللهْ اَلله اکبر» گفته شود که آقای سیستانی با این که تکبیر به ما قبل وصل می شود أما به این جهت که ما قبل ساکن می شود و التقای ساکنین پیش نمی آید هر چند همزه وصل حذف نشده است اشکال نمی کنند و واقعاً هم به نظر عرف اشکالی در صحت در این فرض وجود ندارد؛ پس ایشان در مثال «ایاک نعبد و ایاک نستعینْ اهدنا الصراط المستقیم» نباید اشکال کنند و فرضی اشکال دارد که به صورت «ایاک نعبد و ایاک نستعینُ اِهدنا الصراط المستقیم» بگوید که ایشان غلط دانستند و علمای أدب نیز غلط دانسته اند.

واقعاً هم اشکالی در صحت به نظر عرف نیست ولی راجع به فرض سوم اطلاق لفظی در أدله نداریم ولی وجود اطلاق مقامی بعید نیست و اگر نوبت به اصل عملی برسد به نظر ما اصل برائت مقتضی جواز است ولی مرحوم خویی در همه این سه فرض به این خاطر که خلاف صحیحه حماد است اشکال کرده اند که جواب آن را مطرح کردیم.

## وصل تکبیر به ما بعد

**أما راجع به وصل «الله اکبر» به ما بعد نوعاً دو فرض مطرح می شود:**

یک فرض این است که وصل به سکون شود و فرض دیگر این است که وصل به حرکت شود.

صاحب عروه فتوا داده اند که اگر تکبیر به ما بعد وصل شود حرکت راء گفته شود که ما بیان کردیم پس چرا ایشان در قرائت نسبت به وصل به سکون احتیاط می کنند و چرا مرحوم امام در بحث قرائت فتوا دادند که وصل به سکون اشکال ندارد ولی در اینجا راجع به فتوای صاحب عروه «یجب حینئذ اعراب الراء» تعلیقه نزدند.

خیلی از بزرگان حتّی نسبت به وصل به حرکت که صاحب عروه جایز دانسته، اشکال کرده اند؛ بزرگانی مثل مرحوم خویی در تعلیقه عروه اشکال کرده اند «لایترک الاحتیاط» و مرحوم حاج شیخ عبدالکریم حائری فرموده است «لایترک الاحتیاط فی السابق و اللاحق» و مراد از لاحق، همین وصل الله اکبر به ما بعد با حرکت راء است.

**دلیل هم یا این است که**: بین متشرعه مألوف نیست که در جواب می گوییم اولاً روشن نیست بین متشرعه مألوف نباشد. متعارف نیست ولی این گونه هم نیست که خلاف مرتکز بشود به گونه ای که بگویند «این چه نمازی است؟!» و صرفاً نامتعارف است همچون «ایاک نعبد و ایاک نستعینُ اهدنا الصراط المستقیم» و «‌قل هو الله احدن الله الصمد» که متعارف نیست ولی نامأنوس نیست که عرف متشرعه بگوید این، چه نمازی است.

أما صحیحه حماد، مرحوم خویی در بحث به آن استدلال نکرده اند ولی اگر بعداً به ذهنشان آمده است که امام تکبیر را به ما بعد وصل نکرد؛ در جواب این استدلال هم می گوییم صحیحه حماد دلیل بر وجوب نیست و لذا «الله اکبرُ‌ بسم الله الرحمن الرحیم» قطعا جایز است بلکه بعید نیست که «الله اکبرْ بسم الله الرحمن الرحیم» که وصل به سکون است جایز باشد.

از این بحث گذشتیم؛ کلام واقع می شود در مسأله بعد که صاحب عروه می فرماید «لو قال الله تعالی اکبر لم یصح».

1. [تهذیب الاحکام، شیخ طوسی، ج2، ص147.](http://lib.eshia.ir/10083/2/147/%D8%A3%D8%AC%D8%B2%D8%A3%D9%87) [↑](#footnote-ref-1)
2. [العروة الوثقی (المحشی)، السید محمد کاظم الطباطبائی الیزدی، ج2، ص464.](http://lib.eshia.ir/10027/2/464/%D8%A7%D9%84%D8%AC%D9%84%D8%A7%D9%84%D8%A9) [↑](#footnote-ref-2)